

پاره‌های ایران شناسی

۱۴۳- اقتباس حافظ از سید رضی

حافظ در بیت ملامع زیر مضمونی را از شعر سید رضی (جامع نهج البلاغه‌ی امام علی) اقتباس و تضمین کرده است:
بسا که گفته‌ام از شوق با دو دیده‌ی خود:

أيا منازل سلمى فأين سلماكِ

اصل شعر سید رضی چنین است:

أيا منازل سلمى أين سلماكِ

من أجلها إذ بكيناها بكيناك

۱۴۴- دکتر نصرت‌الله کاسمی و مجله‌ی گوهر

یکی از نشریه‌های ادبی ارزشمند ایران در قبل از انقلاب، نشریه‌ی **گوهر** به مدیریت مرحوم دکتر نصرت‌الله کاسمی بود که خود من نیز در آن دو سه مقاله دارم.

اشعار و مقالات مرحوم دکتر کاسمی به اهتمام برادر ارجمندش جناب فضل‌الله کاسمی گردآوری شده و من نیز بر آن مجموعه، مقدمه و تقریظی مفصل نوشته‌ام. این کتاب ارزنده از سوی انتشارات نوگل به کوشش آقای مرتضی رسولی‌پور زیر چاپ است.

در این جا عکسی از دکتر نصرت‌الله کاسمی با دکتر کیومرث وثوقی (روشن) که توسط هوشنگ وزیری فراهانی به دستمان رسیده است، چاپ می‌شود.



۱۴۵- زن جوان و مرد پیر

در گذشته‌ها مردان پیر، زن جوان می‌گرفتند، هرچند به قول سعدی، زن جوان را اگر تبری در پهلو نشیند به که پیری.

نقل است که شیخ احمد جام معروف به ژنده‌پیل در سن هشتاد سالگی با دختری چهارده ساله مزاجت کرد. (سیدالدین غزنوی، مقامات ژنده‌پیل، چاپ حشمت مؤید، تهران، ۱۳۴۰، صص ۷۵-۱۷۳)

در قرن پنجم هجری مرد پیری از محتشمان خطه‌ی بیهق که زنی جوانی داشته است، برای تنبیه و تنبیه زن جوان خود گفته است:

من پیرم و این زنم جوان می‌خواهد

عیبی نبود! دلش چنان می‌خواهد!

بسیار از او جوان‌تر و زیباتر

در شهر همی گردد و نان می‌خواهد!

زنی ناشناس گویا در پاسخ آن شعر، چنین گفته است:

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت

در حجره‌ی دلگیر نگه نتوان داشت

آن را که سر زلف چو زنجیر بود

در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت

با آن که زنان جوان قرن‌ها چاره‌ی جز تحمل نداشته‌اند، در عصر تیموریان هرات زن جوان دیگری پیدا شده است که تازه او نیز تخلص خود را «ضعیفی» (=ضعیفه) انتخاب کرده و در مقام درد دل و شکایت، جواب شوهر پیر خود را داده است:

ای مرد! تو را به مهر انگیزی نیست

هم پیر و ضعیفی و تو را چیزی نیست

با این همه می‌دهی نهیمیم به زدن

خود قوت آن تو را که برخیزی نیست

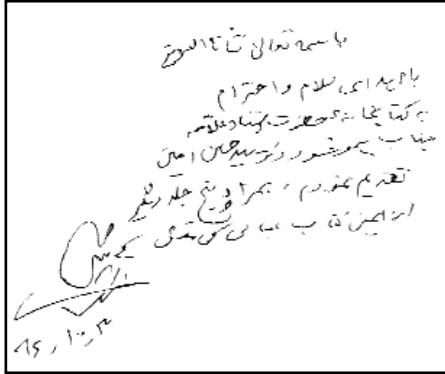
۱۴۶- عکس‌های یادگاری

الف. عکس زیر در انجمن ادبی «اشک سيب» در «مرکز مشارکت‌های مردمی»، به همت سعیده رحیمی گرفته شد:
دکتر قورخانیان - امین - دکتر بیگدلی - دکتر محمدتقی متقی

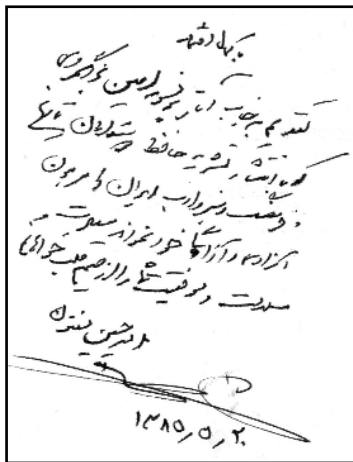


۱۴۸- نمونه‌ی دست خط معاصران

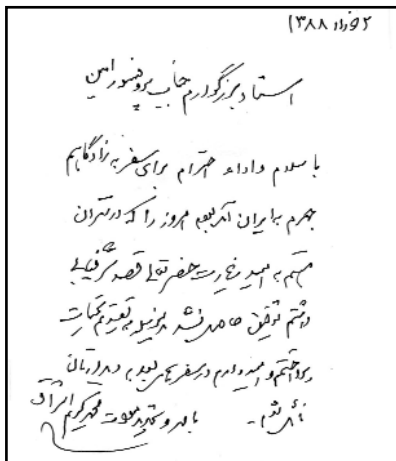
الف. نمونه‌ی خط دکتر عباس کی‌منش، استاد دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، بر پشت دیوان اشعار خود که با عنوان **تصویر خیال** منتشر شده است.



ب. نمونه‌ی خط امیرحسین مفتون بر پشت دیوان اشعار پدرش مفتون همدانی شاعر بلندآوازه‌ی همدان.



پ. نمونه‌ی خط دکتر عبدالکریم اشراق، مؤلف کتاب **بزرگان چهارم** و... از ایرانیان دانشمند مقیم هلند.



ب. عکس بالا در ساری در مراسم اهداء دیوان امین به فرهنگ‌سرا و کتابخانه‌ی ساری‌شناسی گرفته شده است. سیروس مهدوی (مدیر فصلنامه‌ی **اباختر**)، حسین شهسوارانی (معاون اسبق وزارت دادگستری)، دکتر حسین اسلامی (پایه‌گذار و مدیر فرهنگ‌سرای و کتابخانه‌ی ساری‌شناسی)

۱۴۷- باز هم از میس لمتون

به دنبال شعری از ملک‌الشعراى بهار راجع به خانم میس لمتون انگلیسی که برای اول بار در پاره‌ی هشتاد و یکم «پاره‌های ایران‌شناسی» در پنجاه و دومین شماره‌ی **حافظ** چاپ شده بود، دو نظر مخالف در بخش برخورد آراء و اندیشه‌ها دیده شد که اولی در **حافظ** شماره‌ی ۵۶ به قلم آقای دکتر نصرت‌الله آصف، آن شعر را نوعی پونوگرافی تلقی کرده بود و از مجله به سبب چاپ چنان شعری انتقاد نموده بود و دیگری در **حافظ** شماره‌ی ۵۹ به قلم آقای کاظم محمدزاده که تحت عنوان «احتجاجات پوچ اخلاقی» از چاپ آن اشعار دفاع کرده بود. اما هر دو نویسنده‌ی محترم، اصل موضوع را فراموش کرده بودند که مذمت ملک‌الشعراى بهار از این جاسوسه‌ی انگلیسی و عبدالحسین هژیر به دلایل اخلاقیات خصوصی آن‌ها نبوده بلکه به سبب آن بوده است که علایق یک جاسوس انگلیسی در رشد و ترقی یک ایرانی تا سرحد رسیدن به بالاترین مقام اجرایی مملکت، مؤثر بوده است.

گفتنی‌ست که نخست‌وزیری هژیر با مخالفت جدی مردم روبه‌رو شده بود و آیت‌الله کاشانی اعلامیه‌ی شدیداللحنی علیه هژیر صادر کرد.

آمدن مجدد میس لمتون، جاسوس انگلیسی، به ایران هفده روز پس از تشکیل دولت هژیر و همزمان با سفر رسمی محمدرضاشاه پهلوی در تیر ۱۳۲۷ به انگلیس رخ داده بود و این موضوع برای ایران دوستانی مانند بهار، خیلی بحث‌برانگیز بود.